

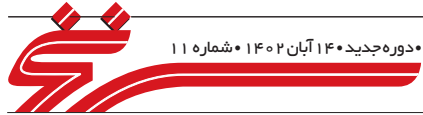
شرایط وسایل اجرای حکم

مأمور اجرای حکم مکلف است پیش از اجرای حکم، آلات و ادوات اجرا را بررسی کند و از استحکام و آماده بودن آن برای اجرای حکم اطمینان حاصل کند. استفاده از وسیله‌ای غیر از آنچه اجرای حکم اقتضا دارد و به گونه‌ای که موجب شکنجه محکوم شود ممنوع است. همچنین عملیات اجرای حکم باید بدون اعمال خشونت انجام شود.



زنده شدن بعد از اعدام

چنانچه پس از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس، مرگ قطعی محکوم به تأیید پزشک حاضر در محل نرسد یا حیات وی احراز شود، اجرای حکم تا سلب کامل حیات ادامه می‌یابد. در صورتی که مرگ محکوم به تأیید پزشک حاضر برسد و سپس حیات وی احراز شود، حکم اعدام اجرا می‌شود و در قصاص نفس با درخواست اولیای دم، محکوم مجدداً قصاص می‌شود.



جوان محکوم به قصاص تا کنون تو انسته از اولیای دم مهلت بگیرد اما قرار است چند روز دیگر پای چوبه دار برود

۴ مرتبه نجات از چوبه دار

افرادی که مرتکب قتل می‌شوند انگیزه‌های مختلفی دارند اما اغلب ناخواسته و بر اثر یک اتفاق مرتکب چنین اشتباه بزرگی می‌شوند. یکی از آنها محمد، جوان ۲۸ ساله است که ۲ سال قبل به اتهام قتل دستگیر شد. آنطور که خودش می‌گوید او و مقتول هر دو به دختری علاقه‌مند بودند و همین موضوع باعث درگیری بین آنها شد. محمد در یک سال گذشته ۴ مرتبه تا یک قدمی چوبه دار رفته اما اولیای دم به او مهلت داده‌اند، با این حال قرار است تا چند روز دیگر برای پنجمین مرتبه پای چوبه دار برود و این بار اگر نتواند پولی را که مادر مقتول خواسته فراهم کند قصاص می‌شود. او در گفت‌وگو با خبرنگار همشهری سرنخ از زندگی عجیبش صحبت کرد.

پیش از اینکه این حادثه اتفاق بیفتد و دستگیر شوی چه شرایطی داشتی؟
با سختی بزرگ شدم. زندگی سختی داشتم. تا اول راهنمایی درس خواندم. بعد از آن با برادرم رفتیم سر کار گچ‌کاری. خرج خانه با من و برادرم بود. زندگی ساده‌ای داشتیم که این اتفاق افتاد و ۲ سال است، دستگیر شده‌ام.

چطور شد که مرتکب قتل شدی؟
آیا مقتول را از قبل می‌شناختی؟
مقتول را می‌شناختم. یک بار با یک دختری دیده بودم. من دختر را دوست داشتم و مقتول هم به او علاقه‌مند بود. سر به دست آوردن دختر با هم اختلاف داشتیم.

چرا برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌ات دست به قتل زدی؟
دختر را دوست داشتم. می‌خواستم با او ازدواج کنم و زندگی‌ام سر و سامان بگیرد. به خاطر اینکه به دختر مورد علاقه‌ام برسم می‌خواستم از او زهر چشم بگیرم که این حادثه اتفاق افتاد. هدف من ازدواج بود.

درباره روز درگیری بیشتر توضیح بده. این اتفاق کجا افتاد؟
در خیابان با او درگیر شدم. اول او جلو آمد. حالت عادی نداشت. قبل از این درگیری فقط یک مرتبه او را دیده بودم. آن زمان اعتیاد داشتم و از دختر جوانی مواد مخدر می‌خریدم. وقتی با هم درگیر شدیم او را با سه ماهی زدم و کشتم. سه ماهی استخوان ماهی است و مثل شمشیر می‌ماند. حدود ۸،۷ ضربه زدم. بعد به بیمارستان منتقل شد. حالش خوب بود و اصرار کرد که من را مرخص کنید. همین دختر او را مرخص کرد. رفت خانه‌شان. خونریزی داخلی کرد و فوت شد.

بعد از قتل چه مدتی فراری بودی؟
بعد از این حادثه من فرار نکرده بودم و در خانه‌مان بودم که دستگیر شدم. در دادگاه و آگاهی اعتراف کردم و همه چیز را توضیح دادم. گفتم از کاری که کرده‌ام پشیمانم اما به من حکم قصاص دادند و مدتی بعد حکم‌ام تأیید شد.

آیا برای جلب رضایت مادر مقتول و بخشش کاری انجام دادی؟
در این مدت مسألم را بارها برای گرفتن رضایت سراسر اولیای دم فرستادم. خودم هم بارها از زندان تماس گرفتم و التماس کردم که من را ببخشند. پدر مقتول راضی است که ببخشد اما مادرش می‌گوید باید ۴۰۰ میلیون تومان بدهی تا رضایت بدهیم. باور کنید که ما خانواده فقیری هستیم و چنین پولی نداریم که بدهیم.

گویا یک مرتبه هم پای چوبه دار رفته‌ای. درباره شب قبل از اجرای حکم صحبت کن.
یک روز گفتند مدیریت کارت دارد و من را از بند بیرون آوردند و یک مرتبه دستبند و پایبند زدند و من را به قرنطینه بردند. شب قبلش خودم را یک مرده فرض کردم و همه چیز برایم تمام شده بود. تا صبح نماز و قرآن خواندم. آن شب برایم خیلی سخت گذشت. بعد با مادرم خداحافظی کردم و صبح روز اجرا من را همراه شفره دیگر پای چوبه دار بردند. خیلی سخت بود. طناب را دور گردنم انداختند. شروع کردم به التماس و خواهش. پدر و مادر مقتول وقتی وضعیتم را دیدند به من مهلت دادند و من را پایین آوردند. آن روز جز من بقیه قصاص شدند. با اینکه چشم‌بند داشتم قصاص شدن آنها را با همه وجودم لمس کردم.

اولیای دم چرا تو را بخشیدند؟
آنها آن روز به من ۲ ماه مهلت دادند تا پول جور کنم اما من فقط توانستم ۴۰ میلیون تومان جمع کنم. آن را هم وام گرفتم. ما هیچ پولی نداریم. همه دارایی خانواده من یک خانه است که قیمتی ندارد و اگر همان را هم بفروشیم، مادر و خواهرم باید در خیابان زندگی کنند.

بعد از مهلت دو ماهه‌ای که به تو داده بودند چه اتفاقی افتاد؟
بعد از اینکه ۲ ماه گذشت و نتوانستم پول جور کنم برای دومین مرتبه من را پای چوبه دار بردند. این بار هم قرار شد خیران کمک کنند تا پول را بدهم و خلاص شوم. به خاطر همین باز هم به من مهلت دادند. این ماجرا باز هم تکرار شد و من ۴ مرتبه قرار بود حکم‌ام اجرا شود که هر بار اولیای دم مهلت دادند اما برای یک‌ماه دیگر وقت اجرای حکم تعیین کرده‌اند و این بار اگر این پول را جور نکنم قصاص می‌شوم.

حالا زمان زیادی تا روز اجرای حکمت نمانده و تو باز هم نتوانستی خواسته اولیای دم را برآورده کنی. فکر می‌کنی این بار چه اتفاقی برایت بیفتد؟

باز هم نتوانستم پولی جور کنم. ما هیچ پولی نداریم. البته شنیدم که خانواده مقتول هم خودشان فقیر هستند و پول لازم دارند اما من هم ۴۰ میلیون بیشتر ندارم و نمی‌دانم چه کار کنم. زمانی که دستگیر شدم جوان تر بودم و اشتباهات زیادی می‌کردم. اما در زندان رفتارم فرق کرده و اصلاح شده‌ام. در این مدت یک مورد هم دعوا نکرده‌ام.

فکر می‌کنی که چه سرنوشتی در انتظارت باشد؟
نمی‌دانم چه پیش می‌آید. هر چه که خدا بخواهد. از خانواده مقتول می‌خواهم که من را به خاطر جوانی‌ام ببخشند. اگر به قبل برگردم هیچ وقت مرتکب چنین اشتباهی نمی‌شوم.

